

روایتی از مردی که ۱۶ زن را به طرز فجیعی کشت

بیست و هشت فروردین سال ۸۱ یکی از معروفترین قاتلان زنجیره‌ای در مشهد اعدام شد. سعید حنایی که قاتل عنکبوتی نام گرفته بود هدفش پاک کردن جامعه از فساد بود.



سعید حنایی در اولین جلسه دادگاه به شانزده فقره قتل اعتراف کرد و گفت که از کار خود پشیمان نیست و اگر دستگیر نمی‌شد می‌خواست ۱۵۰ زن خیابانی را به قتل برساند. ۳۱ مردادماه سال ۱۳۸۰ روزی بود که دادگاه سعید حنایی برگزار شد و او اعلام کرد که تمامی زنانی که کشته شده‌اند زنان ناپاکی بودند که گناهان بر سر مقدسی همچون مشهد کسرتش می‌داند.

انگیزه او برای انجام قتل انتقام‌گری بوده است. پیش‌ترها روزی مردی همسر سعید را سوار ماشین می‌کند و مزاحم او می‌شود. این ماجرا تأثیر عمیقی روی سعید می‌گذارد و او در ابتدا سعی می‌کند تا بسا مردهایی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند برخورد کند، اما زمانی که مورد ضرب و شتم از سوی آن‌ها قرار گرفت تصمیم گرفت هدفش را تغییر دهد می‌داند.

سعید حنایی در اولین جلسه دادگاه به شانزده فقره قتل اعتراف کرد و گفت که از کار خود پشیمان نیست و اگر دستگیر نمی‌شد می‌خواست ۱۵۰ زن خیابانی را قتل برساند. ۳۱ مردادماه سال ۱۳۸۰ روزی بود که دادگاه سعید حنایی برگزار شد. او ادعا می‌کرد که تمامی زنانی که کشته شده‌اند زنان ناپاکی بودند که گناه را در شهر مقدسی همچون مشهد کسرتش می‌داند.

قبل از روز دادگاه سعید حنایی در اعتراضات اولیه اش عنوان کرده بود که

شده صرفاً برای رسیدن به شهرت چنین ادعایی را مطرح کرده و چیزی از قتل‌ها نمی‌داند. راز پرونده همچنان ناگشوده باقی‌مانده تا این که آخرین طعمه قاتل سریالی باز دست او فرار کرد. «مژگان»، که سابقه مواد فرشی داشت، یک هفته بعد از فرار از دست سعید حنایی در «طرح ویژه پلیس» دستگیر شد و وقتی تحت بازجویی قرار گرفت ماجرای شب فرار را برای مأموران تعریف کرد.

مژگان در تعریف ماجرای فرار اینگونه گفته بود: «مردی با موتور جلوی پام توقف کرد و از من خواست همراهش حمل آن به نیروهای پلیس و آمبولانس کمک می‌کرده است. در جریان قتل‌های مرد ساکت بود و در طول راه حرفی نزد... وقتی وارد خانه شدیم او درها را قفل کرد ... داشتم روسری‌ام را درمی‌آوردم که آن مرد از پشت سر به من حمله کرد و شال گردنی را دور گلویم انداخت. آن را با تمام زوروش فشار می‌داد. من ناخن‌هایم را و چنگ زدم و بعد با مشت محکم به شکمش کوبیدم. بعد خواستم فرار کنم، ولی در قتل

از آن‌ها به دلیل فقر بسیار خانواده‌هایشان حتی هزینه‌های کفن و دفن را هم نداشتند. مأموران پلیس جنبانی شهر مشهد هر چند وقت یکبار جنازه زانی را در نقاط مختلف و اغلب دور از انتظار پیدا می‌کردند و در تحقیقات مشخص می‌شد برخی از آن‌ها سابقه کفری هم داشته‌اند. بیشتر آن‌ها به یک روش کشته شده بودند؛ خفگی با روسری. قاتل عنکبوتی مشهد جسد مقتولین را در چادر و یا پارچه‌ای بزرگ می‌پیچید و در نقطه مورد نظر رها می‌کرد. تشابهات فراوان شکل و روش قتل‌ها تریسیدی به جای گذاشته بود که قاتل سریالی در کمین زنان خیابانی شهر نشسته است. حالا ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای مشهد، ماجرای اصلی اخبار حوادث کشور است و آنقدر توجهات را به خود معطوف کرده که حتی کسانی حاضر ند بپای کسب شهرت هم که شده خود را به پلیس معرفی کنند و قتل‌ها را به گردن بگیرند!

مثل کسی که خودش را «صیاد سیم‌خ» معرفی کرده بود و بازداشت شد، اما وقتی تحت بازجویی قرار گرفت معلوم

«تغییر رفتار سعید حنایی بعد از پروصدا شدن ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای زنان خیابانی در مشهد» گفته بود: «من چندین بار به سعید گفته خیلی دوست دارم قاتل او می‌گفت بعضی‌ها گفته‌اند آهن فروش‌های صدمتری (محل‌های در مشهد) و جعبه فروش‌ها دست به این قتل‌ها می‌زنند و بعضی‌ها هم گفتند کار گروه انصار است.» به گفته همسر سعید حنایی او همسواره از زبان مردم این قتل‌ها را می‌دانست.

داستان قتل‌های پی‌درپی و دستگیری قاتل عنکبوتی
هفتم مرداد ماه سال ۱۳۷۹ گزارش ناپدید شدن یک زن ۲۰ساله به همراه دختر هفت ساله‌اش نقطه شروع پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مشهد شد. پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مشهد قریب به یک سال در جریان بود تا سرانجام در مردادماه سال ۱۳۸۰ قاتل عنکبوتی دستگیر شد. سعید حنایی در این مدت شانزده نفر را کشته بود. شانزده زن خیابانی که برخی

خود را ۳۹ساله و فرزند علی اصغر و کارگر ساختمان معرفی کرد. سعید که در یکی از محلات فقیرنشین مشهد به همراه زن ۳۴ساله خود و سه فرزند خود زندگی می‌کرد. در زمان اعدام قاتل عنکبوتی مشهد، پسر او در کلاس دوم دبیرستان تحصیل می‌کرد و دختران او در مقطع دبستان درس می‌خوانند.

در مرداد سال ۱۳۸۰ زمانی که سعید حنایی دستگیر شده بود، همسر وی در گفت‌وگویی گفته بود که سعید از ابتدای زندگی، به جامعه بدبین بود، غیرتی و خشک نبود، می‌گفت به هر جا می‌روی، برو، اما جایی باشد که به صاحبش اطمینان داشته باشی.»

همسر سعید حنایی در آن گفتگو با اشاره به تأکیدات مذهبی سعید حنایی گفته بود که «علاقه زیادی به حفظ حجاب داشتم، مثلاً اگر مقداری چادر از صورتم کنار می‌رفت، می‌گفت رویگیر، نمازخوان و روزه گیر هم بود.»

در آن گفتگو همسر این قاتل زنجیره‌ای در پرسش به پاسخی درباره

گسروه حوادث - حنایی در طول تقریباً یک سال شانزده زن و دختر را در شهر مشهد به قتل رساند. مقتولین بین ۱۸ تا ۵۰سال سن داشتند و به گفته سعید حنایی همگی آنان به اصطلاح «زنان خیابانی» بودند که از طریق تن‌فروشی امرار معاش می‌کردند.

اولین‌بار در مرداد سال ۱۳۷۹ خبر گم شدن زنی حدوداً سی‌ساله به همراه دختر ۹ساله‌اش و سپس پیدا شدن جسد او سر فصل ماجرای عجیب و تلخ قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی شد. قتل‌هایی که نتایجش از اعتراف او بازده فقره بود و پس از دستگیری و اعتراف به شانزده مورد افزایش یافت.

قاتل عنکبوتی مشهد در طول نزدیک به یک سال، شانزده زن را در مشهد کشته بود و به زعم خود و تحت تأثیر تعلیمات متحجرانه دینی در صدد اصلاح جامعه برآمده بود.

سعید حنایی کی بود؟
سعید حنایی در اولین جلسه دادگاه که در شهر یور ماه سال ۱۳۸۰ برگزار شد

مقتول از طریق شبکه های اجتماعی وارد زندگی مان شد

دخترش از طریق تلفن ایجاد مزاحمت می‌کند تازه متوجه شدیم که آن جوان غریبه ابتدا از طریق همین شبکه‌های «مرگ و درد» (شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی) وارد زندگی اش شده و این دختر که سن و سال را به دام این ارتباطات تلفنی انداخته است به گونه‌ای که همین مسائل موجب شده تا زندگی اش متلاشی شود. وقتی این ماجرا را

فهمیدم از خواهرزخم خواستم اگر بار دیگر آن جوان غریبه تماس گرفت با او قرار بگذارم تا منظورش را از این ارتباط بفهمم. بالاخره روز چهارشنبه قتل ۹۹۱،۲۷) خواهرزخم با او قرار گذاشت و ما با هم سوار بر خودروی تینیا به محل قرار رقیتم و او را به داخل باغ پذیرزخم آوردیم. من قصد کشتن او را نداشتم فقط می‌خواستم دست و پایش را ببندم و با پاسگاه تماس بگیرم اما او دیدن اسلحه‌ای که در دستم بود فرار کرد که من هم شلیک کردم جلایم پشیمانم و به دختران و پسران جوان توصیه می‌کنم به خاطر هوس‌های روزگردد زندگی دیگران را متلاشی نکنند.

خواستگاری آن‌ها با هم از ازدواج کردند و مدت دو سال نامزد بودند. بعد از آن هم با کمک پدرزخم مجلس عروسی را برگزار کردیم تا زندگی مشترکشان را آغاز کنند اما این زندگی بیشتر از یک سال طول نکشید و زمانی متوجه اختلافات آن‌ها شدیم که در کشاکش طلاق بودند.

آن زمان فهمیدم مشکلات زندگی آن‌ها بر سر سه مسأله بود چرا که من هم درگیر گرفتاری‌های زندگی خود بودم. دامداری درآمد چندانی نداشت و علوفه و آذوقه دام بسیار گران بود و نمی‌توانستم هزینه‌های زندگی را تأمین کنم با آن که من به مواد مخدر اعتیاد نداشتم و گاهی هنگام بیماری و سرماخوردگی پای بساط مواد مخدر می‌نشستم اما باز هم حتی توانایی پرداخت هزینه‌های قبوض آب، برق و گاز را نیز نداشتم.

بعد از طلاق دختر باجناقم او نزد دو خواهر دیگرش بازگشت و خواهرزخم دوباره سرپرستی او را عهده دار شد تا این که مدتی قبل از طریق خواهرزخم فهمیدم جوانی که اهل منطقه سبزوار است برای

خواستگاری کرد که از خانواده‌ای آبرومند بودند من هم به حرف پدرم گوش کردم و پای سفره عقد نشستیم بعد از ازدواج همه تلاش‌م را به کار گرفتیم تا زندگی خوبی فراهم کنم بالاخره با همین اندک درآمد دامداری و چوپانی منزلی را در روستا ساختم تا زندگی مستقلی داشته باشم.

سنال‌ها با آرایش زندگی می‌کردم و صاحب دو فرزند پسر شدم. روزگار خوبی را سپری می‌کردم تا این که حدود ۱۰سال قبل باجناقم که معتاد بسودخانه و زندگی‌اش از ترک کرد و به مسکن نامعلومی رفت دیگر هیچ خبری از او نداشتم و خواهرزخم به سختی فرزندانش را بزرگ می‌کرد. در واقع پدرزخم بچه‌ها با هر حتم و بدبختی بود به آن‌ها کمک می‌کرد تا دست‌نیز به سوی دیگران دراز نکنند.

وقتی دختر بزرگ باجناقم به سن رشد رسید او را عروس کردیم. همسرش از مناطق اطراف نیشابور بود ولی در مشهد سکونت داشت. با برگزاری آداب و رسوم سنتی و مراسم

گروه حوادث - جوان ۳۶ساله‌ای که به اتهام قتل یک جوان دستگیر شده است پس از آن که به سوالات تخصصی کارآگاه نجفی (افسر پرونده) پاسخ داده به تشریح سرگذشت خود پرداخت.

وی درباره این که چگونه به یک قاتل تبدیل شده، گفت: در روستای خرابه‌ایم از توابع مشهد به دنیا آمدم و تا کلاس سوم راهنمایی تحصیل کردم اما در نهایت مقطع راهنمایی را به اتمام نرساندم و مدرک تحصیلی هم نگرفتم در واقع علاقه چندانی به درس و مدرسه نداشتم پدرم مانند بسیاری از اهالی روستا به کشاورزی و دامداری اشتغال داشت من هم که از کودکی به دامداری علاقه مند بودم بعد از ترک تحصیل به کمک پدرم رفتم و در کنار او به کشاورزی و دامداری ادامه دادم تا این که برای خدمت سربازی عازم بیرجند شدم و بعد از طی دوران آموزشی بقیه خدمتم را در اندیجک گذراندم.

تقریباً یک سال از پایان خدمت سربازی‌ام می‌گذشت که روزی پدرم دختر یکی از اهالی روستا را برایم

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) **سایت: www.eghtesad-kish.ir**

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

خرید ضایعات فلزی در اسرع وقت با بالاترین قیمت روحی
۰۹۳۴۷۶۹۳۷۵۸

جویای کار

آقایی جوان
با سابقه سکونت و کار در امارات مسلط به زبان‌های فارسی - عربی اردو - هندی آماده کار در جزیره کیش می‌باشد
شماره تماس ۰۹۳۷۴۱۴۰۲۲۵

استخدام گرافیک

به یک گرافیکس خانم/آقا برای شیفت بعد از ظهر جهت کار در یک شرکت فرهنگی مورد نیاز است
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات
کارمند اداری خانم آشنا به کامپیوتر ترجیحا بر خوردار از سابقه کار اداری استخدام می‌شود
شماره تماس: ۴۴۴۲۴۹۶۹

نقاشی روی لباس
(مطابق سلیقه و نظر شما) هدیه‌ای خاص به عزیزان شما
جاودانه کردن لحظات شیرین زندگی برای دیدن نمونه کارها به کانال ما سر بنید:
@Narmelaaart
۰۹۰۳۱۰۴۳۸۳۹

آشپزخانه و رستوران خاتون
ارزانتترین غذای پرسنلی با کادری مجرب و درخشان همراه با سرویس رایگان پشت‌خانه گستر جنب نمایشگاه ماشین
۰۹۳۴۷۶۸۲۵۳۳
۰۷۶۴۴۴۴۰۴۰۰

شهاب سنگ
فروش انواع سنگهای جدول خیابان (بدون سیمان) از جنس گرانیت مقاوم در برابر آب و شرجی بدون سایش و خوردگی
۰۹۱۷۳۶۶۲۰۴۵ عابدینی

یک شرکت تولیدی آرایشی و بهداشتی به یک خانم با مدرک شیمی گرایش کاربردی یا محض، دارای سابقه کار مرتبط و ساکن کیش نیازمند است
شماره تماس: ۰۹۱۲۱۱۸۱۷۱۳

یک مجتمع مسکونی به تعدادی نیروی نگهبان خدماتی و باغبان نیازمند است
۴۴۴۸۷۰۱۲

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم
۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

به یک صندوقدار جهت همکاری در رستوران نیازمندیم حقوق و مزایا بر اساس حداقل قانون کار + سرویس رفت و برگشت + دو وعده غذا
شماره تماس: ۰۹۱۷۲۳۲۲۷۳۸ ساعت تماس: ۹ الی ۱۶

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش